

حسین میرمحمد صادقی



سیستم دو پایه وکالت

در حقوق انگلستان





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بطور قطع سیستم دو پایه و کالتی که عمدتاً به دلایل تاریخی در حقوق انگلستان برخلاف اکثر کشورهای دیگر حاکم است، برای حقوقدانان و سایر مردم ما امری ناآشناست و تجربه نشان داده است که این ناآگاهی در بسیاری مواقع باعث سردرگمی کسانی که به نمایندگی از طرف سازمانها و ادارات مختلف، برای تعقیب دعاوی خود و انتخاب وکیل مناسب به انگلستان سفر می کنند، می گردد، و حتی حقوقدانان و وکلای ایرانی که آنها را در مورد چگونگی پیگیری دعوای خود راهنمایی می کنند نیز معمولاً به دلیل عدم آشنائی با سیستم قضائی انگلستان از عهده ارائه طریق مناسب در این مورد بر نمی آیند. به این دلیل و نیز به دلیل آنکه بطور کلی مطالعه در زوایای مختلف سیستمهای قضائی دیگر کشورها نافع و حتی لازم می باشد، قصد ما در این نوشتار آن است که گذری کوتاه بر وضعیت شغل و کالت دعاوی از نظر حقوق انگلستان داشته باشیم؛ به امید آنکه این مختصر بتواند مفید فایده و کلا و حقوقدانانی که یا در عمل با آن برخورد می کنند و یا صرفاً علاقمند به مطالعه جنبه های مختلف حقوق از نظر تطبیقی می باشند، قرار گیرد.

مقدمتاً باید گفت که وکلا از نظر حقوق انگلستان به دو شاخهٔ سولیسیتر Solicitor و بریستر Barrister تقسیم می‌شوند که هر شاخه از نظر چگونگی تحصیل و کارآموزی، مؤسسات صنفی مربوطه، وظایف شغلی و بسیاری مسائل دیگر، مشخصه‌های مربوط به خود را دارد. برای سهولت، کار هر یک از این دو شاخه در مبحث جداگانه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱. سولیسیتر

اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین وکالت و طبابت انجام دهیم سولیسیترها (که در حال حاضر در انگلستان حدود ۳۵,۰۰۰ نفر هستند) در حقیقت مانند پزشک عمومی، و بریسترها (که حدود ۵,۰۰۰ نفرند) بیشتر شبیه پزشکان متخصص می‌باشند. بدین معنا که برخلاف بریسترها که قسمت اعظم کار آنها را دادرسی (Litigation-advocacy) تشکیل می‌دهد، یعنی عمدتاً وظیفهٔ دفاع از دعوی را در داخل دادگاه بعهده دارند، سولیسیترها به امور متعددی می‌پردازند که بیشتر آنها ارتباطی با دادرسی ندارد؛ بعبارت واضح‌تر آمار نشان می‌دهد که تنها حدود ۲٪ از کل کاری که یک سولیسیتر بطور متوسط انجام می‌دهد، به دادرسی و اقامهٔ دعوی در دادگاه می‌انجامد که در مورد همین ۲٪ نیز مطابق قانون، سولیسیتر تنها باید ترتیب تماس با موکل و آماده کردن پرونده را بدهد و امکان دفاع از پرونده در دادگاه برای او وجود ندارد؛ بلکه باید برای این کار پرونده را به یک بریستر ارجاع دهد.

در مورد کارهای دیگر سولیسیترها می‌توان گفت قسمت اعظم کار آنها (حدود ۶۰٪) در زمینهٔ نقل و انتقال املاک می‌باشد که مطابق قانون انگلستان تنها با دخالت وکیل قابل انجام است، ۵٪ راجع به مسائل خانوادگی مثل ازدواج و وصیت و غیره، ۱۰٪ امور شرکت‌های تجاری و حدود ۲۰٪ باقی مانده را نیز بسایر کارهای متفرقه‌ای که به آنها ارجاع می‌شود می‌پردازند.

سولیسیترها از نظر سازمانی تابع نهادی به نام Law Society می باشند. آنها برخلاف بریسترها می توانند به یاری هم به تشکیل شرکت دست بزنند. سابقاً حداکثر تعداد شریک در یک شرکت می توانست ۲۰ نفر باشد؛ ولی در حال حاضر این محدودیت برداشته شده است و حتی شرکتهائی با ۵۰ شریک اصلی نیز یافت می شوند. حدود ۱۸٪ شرکتهای سولیسیترها در حال حاضر کمتر از ۵ شریک دارند.

در مورد کارآموزی سولیسیترها باید گفت هر فرد متقاضی این شغل (که لزوماً هم نباید فارغ التحصیل دانشگاه باشد) باید یک دوره تئوری یک ساله را بگذراند و بعد دوره کارآموزی عملی خود را که Articles نامیده می شود و برحسب درجه تحصیلات فرد از ۲ تا ۵ سال است، تحت نظریک سولیسیتر انجام دهد.

۲. بریستر

تأسیس بریستر از نظر حقوق انگلستان قدیمی تر از سولیسیتر است؛ بدین معنا که شاید تاریخچه دومی تنها به ۲-۳ قرن پیش بازگردد (هرچند تا قرن ۱۹ تأسیسات منظمی نداشته اند)؛ در صورتی که تأسیس بریستر تاریخچه ای قدیمی تر از این دارد. بریسترها نسبت به سولیسیترها از حق انحصاری حضور در دادگاههای اصلی^۱ برخوردار می باشند؛ بعبارت دیگر اگر دعوا به این دادگاهها کشیده شود، سولیسیتر باید با استخدام یک نفر بریستر ترتیب دفاع از پرونده را در دادگاه بدهد.

البته در نقطه مقابل این حق بریسترها که سولیسیترها از آن محرومند، حقی وجود دارد که سولیسیترها از آن برخوردار و بریسترها آن را فاقدند و آن حق برقراری تماس مستقیم با موکل است؛ بعبارت دیگر جز در

۱. دادگاه اصلی در امور مدنی High Court و در امور جزائی Crown Court می باشد، که در این دو دادگاه تنها بریستر حق دفاع از دعوی را دارد. دادگاه مرحله پائین تر در امور مدنی County Court و در امور جزائی Magistrates's Court است که در آنها سولیسیتر هم حق دفاع دارد.

موارد خیلی استثنائی (که واضح ترین نمونه آن دعوائی است که در خارج از انگلستان در جریان است و صرفاً قصد استفاده از نظرات حقوقی یک بریستر وجود دارد و یا دادن نظر مشورتی به یک دوست) هیچ بریستری حق برقراری تماس مستقیم با موکل، یا قبول دعوای وی را ندارد و این کار حتماً باید از طریق سولیست انجام شود. حتی بعد از تعیین بریستر توسط سولیستر هم، موکل و بریستر تنها در صورتی می توانند با یکدیگر ملاقات نمایند که سولیستر هم در این ملاقات حضور داشته باشد.

به دلیل وابستگی بریستر به سولیستر از نظر ارجاع کار، بعضی بریسترها مخصوصاً کسانی که از اهالی کشورهای دیگر می باشند (مثل هندوها و پاکستانیها) چون که کار چندانی به آنها ارجاع نمی شود مجبور می گردند که با طی مراحل مربوطه، شغل خود را به سولیستر تغییر دهند. علیرغم این وابستگی بریستر به سولیستر، باید گفت که از نظر طبقه بندی شغلی بریسترها در مرتبه بالاتری قرار دارند و بنابراین علی الاصول آنها هستند که تا کتیک دعا و چگونگی اداره آن را در دادگاه تعیین می نمایند. در مورد تقسیم بندی موجود میان خود بریسترها، باید گفت که آنها به دو نوع Senior و Junior تقسیم می شوند و همان گونه که از نام آنها پیداست گروه دوم (که حدود ۱۰٪ این شغل را تشکیل می دهند) از مقام بالاتری برخوردارند. چگونگی ارتقای مقام بریسترها بدین ترتیب است که آنها باید تقاضای خود را برای لرد جنسler^۲ که بالاترین مقام قضائی انگلستان است، ارسال دارند که وی با در نظر گرفتن عوامل مختلف با ارتقای مقام بریستر به Senior که بعضی مواقع Queen's Counsel (یا به اختصار Q.C) نیز خوانده می شود، موافقت یا مخالفت می نماید.

با ارتقای مقام بریستر، خود بخود اجرت وی نیز بالا می رود. سابقاً دو قاعده در مورد ارتباط میان دو نوع بریستر وجود داشت: یکی اینکه هیچ

۲. این فرد ریاست مجلس لردها را به عهده دارد و مقام وی در حقیقت قضائی - سیاسی است و معمولاً با تغییر دولتها تغییر می یابد. انتخاب وی با پیشنهاد نخست وزیر به عهده ملکه (یا شاه) می باشد. تعیین صاحبان بیشتر سمتهای قضائی به عهده این فرد است.

وکیل مرتبه بالاتری حق شرکت در جلسه دادگاه را بدون همراهی وکیل مرتبه پائین تر ندارد، و دوم اینکه حق الوکاله وکیل پائین تر^۲/۳ حق الوکاله وکیل بالاتر می باشد. هرچند این دو قاعده در حال حاضر از بین رفته است ولی در عمل هنوز رعایت می گردد، و بدین خاطر چه بسا موکلان بعلت هزینه زیاد از ارجاع کارشان به Q.C. ابا داشته باشند و در نتیجه Q.C. ها به اندازه کافی کار دریافت ندارند و حتی از تقاضای خود ذائقه بر ارتقای مقام پشیمان شوند؛ ولی پس از ارتقای مقام دوباره راهی برای بازگشت به مرتبه پائین تر وجود ندارد.

ارتقای مقام بریسترها تغییر ظاهری را هم در وضعیتشان ایجاد می نماید؛ یعنی آنها صندلیهای جلوتر را در دادگاه اشغال می کنند و حتی نوع لباس و کالتیشان هم تغییر می یابد و به جنس ابریشمین تبدیل می شود. و بهمین دلیل بعضاً عمل ارتقای مقام بریسترها را به «پوشیدن لباس ابریشمین» (Taking Silk) تعبیر می کنند.

یکی دیگر از خصیصه های بریسترها آن است که آنها را نمی توان در مورد عملکردشان در دادگاه به دلیل اهمال، مورد تعقیب قرار داد. این مسأله بیشتر جنبه تاریخی دارد^۳ و به سولیسیتورها نیز در مورد کارهایی که در داخل دادگاه انجام می دهند (در مواردی که حق دفاع از دعوا را در دادگاه دارند، یعنی در دادگاههای پائین تر) تسری داده شده است.

در مورد تشکیلات بریسترها و تحصیلات و کارآموزی آنها باید گفت که هر بریستر باید عضویکی از چهار مؤسسه ای باشد که به نام

۳. دلیل دیگری که برای این مصونیت ذکر شده، این است که چون بریستر موکل خود را انتخاب نکرده و حق رد دعوائی را که به او ارجاع شده است ندارد (مگر در یکی از سه مورد زیر: یا در همان زمان دفاع از دعوی دیگری را بعهده دارد، یا آن نوع کار را انجام نمی دهد و یا توافق بر سر حق الوکاله صورت نگیرد)، بنابراین عادلانه نیست که امکان تعقیب وی برای اهمال و عدم دقت در دعوی وجود داشته باشد. البته این دلیل چندان قوی بنظر نمی رسد و بنابراین دلیل اصلی مصونیت، باید همان سوابق تاریخی باشد.

Inns of Court مشهور هستند. نام این چهار مؤسسه به قرار زیر است:

1. The inner Temple.
2. The Middle Temple.
3. Lincoln's Inn.
- 4- Cray's Inn.

هریک از این چهار مؤسسه هیئت اداره کننده‌ای دارد که به نام Benchers خوانده می‌شود و اعضای آنها را بریسترهای با تجربه تر و قضات تشکیل می‌دهند. در کنار این، هیئت مؤسس دیگری به نام Bar Council وجود دارد که تقریباً مشابه یک اتحادیه صنفی از حقوق وکلای عضو تشکیلات دفاع می‌کند. در رأس هر چهار مؤسسه Senat for the inns of Court and the Bar قرار دارند، با حدود ۹۰ عضو که سرپرستی کلی بر شغل وکالت دعاوی را بعهدہ دارد.

در ضمن شورائی به نام Council of Legal Education در هر یک از چهار مؤسسه فوق‌الذکر مسئول کارآموزی حقوقی کاندیداهای شغل وکالت دعاوی می‌باشد. کارآموزی کاندیداها که حتماً باید فارغ‌التحصیل دانشگاه باشند — البته نه لزوماً در رشته حقوق —، بدین صورت است که پس از دورهٔ ثوری یک ساله امتحانی برگزار می‌گردد و در صورت قبولی، کاندیدا قبل از اینکه بتواند مستقلاً در دادگاه شرکت نماید باید کارآموزی عملی خود را در کنار بریستر دیگری دنبال کند. این دورهٔ کارآموزی عملی Pupilage خوانده می‌شود.

دیگر از تأسیسات مربوط به این شغل Clerk یا منشی است که اهمیت آن به دلیل آن است که هیچ بریستری حق کار بدون داشتن منشی را ندارد. این منشیها وظیفهٔ صحبت با سولیسیتور در زمینهٔ تعیین اجرت بریسترها را بعهدہ دارند و حقوق خودشان نیز از حق الوکالهٔ بریسترها تأمین می‌شود و بنابراین منفعت شخصی آنها نیز ایجاب می‌کند که حق الوکاله را

در حد امکان بالا نگهدارند.

دفاتر بریسترها Chamber خوانده می شود که در آن چند بریستر وابسته به یک مؤسسه (Inn) ولی هریک در صلاحیت شخصی خود مشغول کار می باشند؛ چون بریسترها همان گونه که در فوق ذکر شد برخلاف سولیسیتورها حق ایجاد شرکت را با همکاری سایر وکلا ندارند.

نتیجه گیری

عمده ترین مطلبی که از بحث نسبتاً مفصل فوق باید مورد استفاده کسانی که در عمل درگیر دعاوی حقوقی در انگلستان می باشند و وکلای ایرانی آنها قرار گیرند، آن است که در کلیه موارد باید ابتدا به سولیسیتور مراجعه شود و اگر دعوی به دادگاه کشیده شد، نیز حتی الامکان (مگر در مورد دعاوی مهم و مشکل) از استخدام وکیل رتبه بالا (Q.C.) توسط سولیسیتور جلوگیری بعمل آید؛ چرا که این کار چه بسا باعث بالا رفتن هزینه دعوی بصورت غیر معقولی خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی